



Research Article

Competent Court in Consumer v. Trader Disputes in E-Contracts: A Comparative Study of European Union and Iranian Law

Negar Rokhchekav¹, Azam Ansari^{2*}, Sayyed Mohammad Mahdi Qabuli Dorafshan³, Abdollah Khodabakhshi Shalamzari⁴

1. Ph.D. Student in Private Law, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2. Assistant Prof., Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
3. Prof., Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
4. Assistant Prof., Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Article history:

Received: 27/02/2024

Accepted: 28/07/2024

Abstract

Introduction

In contemporary legal systems, substantive consumer protection rules address only part of the challenges arising from consumer contracts, making it equally crucial to examine extraterritorial jurisdiction rules governing consumer e-contract disputes. This article conducts a comprehensive analysis of jurisdictional rules applicable to consumer e-contract disputes in both the European Union and Iranian legal frameworks. The study specifically investigates scenarios where: (1) a consumer domiciled in Iran disputes an e-contract with an EU-domiciled trader; and (2) an EU-domiciled consumer initiates proceedings against a non-EU trader. These cross-border situations raise critical questions about which court possesses competent jurisdiction to adjudicate such disputes.

Please cite this article as:

Rokhchekav, N., et al (2025). Competent Court in Consumer v. Trader Disputes in E-Contracts: A Comparative Study of European Union and Iranian Law. *Journal of Legal Studies*, 17(1), 55-88.
<https://doi.org/10.22099/jls.2024.49597.5122>

* Corresponding author:

E-mail address: aansari@um.ac.ir

Methods

This research employs an analytical-descriptive methodology with a comparative law approach, examining both Iranian and EU legal systems. The analysis focuses on applicable jurisdictional rules within these frameworks, evaluating their respective strengths and weaknesses through doctrinal legal analysis. The study incorporates examination of primary EU legal instruments, particularly the recast Brussels I Regulation (2012), and relevant Iranian legislation. European case law precedents are analyzed to illustrate practical applications of these rules. Data collection was conducted through traditional library research methods, utilizing legal texts, scholarly articles, and judicial decisions.

Results and Discussions

The research reveals significant divergences between the EU and Iranian approaches to determining competent courts in consumer e-contract disputes: In Iranian law, statutory provisions lack specific rules regarding extraterritorial jurisdiction for consumer e-contracts. Consequently, Iranian judges must resort to applying domestic jurisdiction rules, which may prove inadequate for cross-border digital transactions. This legal gap creates uncertainty for both consumers and traders engaged in international e-commerce. Conversely, the EU's recast Brussels I Regulation (2012) establishes a sophisticated jurisdictional framework for consumer disputes. Article 17(3) introduces the critical "directing activities" test, whereby jurisdiction is established when traders direct their commercial activities to the consumer's domicile. Article 18 then outlines three distinct jurisdictional presumptions: First, when both parties are EU-domiciled, consumers enjoy multiple forum options including their own domicile, the trader's domicile, or the location of the trader's branch/agency involved in the contract. This expansive approach significantly enhances consumer access to justice. Second, for EU-domiciled consumers suing non-EU traders without EU establishments, Article 18 permits consumers to file in their home courts regardless of the trader's domicile. This protective measure ensures EU consumers maintain access to local judicial remedies. Third, when non-EU consumers dispute with EU-domiciled traders, jurisdiction defaults to the general rule of defendant's domicile under Article 4, requiring consumers to litigate in the trader's home jurisdiction. This asymmetrical treatment reflects policy choices favoring EU consumers.

Conclusions

The comparative analysis demonstrates that the EU's jurisdictional framework prioritizes consumer protection through expansive forum options

and the "directing activities" test, while Iranian law lacks specific mechanisms for cross-border e-contract disputes. Notably, the EU system disregards both the contract conclusion location and performance place as jurisdictional factors- elements that remain relevant in Iranian jurisprudence. The study recommends that Iranian law adopt a modified version of the plaintiff's domicile rule, incorporating safeguards like the EU's targeting test to prevent excessive jurisdictional claims. Without such balanced reforms, Iranian consumers will continue facing significant disadvantages in cross-border e-commerce disputes. The EU model offers valuable insights for developing countries seeking to modernize their private international law frameworks for the digital economy.

Keywords: Competent Court, Private International Law, Electronic Contracts, Domicile, Consumer Protection, Jurisdictional Rules.





دادگاه صالح در دعاوی مصرف‌کننده علیه تاجر در قراردادهای الکترونیکی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران

نگار روخ چکاو^۱، اعظم انصاری^{۲*}، سید محمد مهدی قبولی درافشان^۳، عبدالله خدابخشی شلمزاری^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۴. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

اطلاعات مقاله
تاریخ پذیرش: 1403/05/07

تاریخ دریافت: 1402/12/08

چکیده

مقدمه: امروزه حمایت از مصرف‌کننده با وضع ضوابط ماهوی تنها بخشی از چالش‌های قراردادهای مصرف‌کننده را پوشش می‌دهد، این در حالی است که توجه به قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در دعاوی مربوط به قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده نیز ضرورت دارد. مقاله حاضر به بررسی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران در دعاوی الکترونیکی مصرف‌کننده می‌پردازد. پرسش این است که چنانچه مصرف‌کننده مقیم ایران بخواهد در خصوص قرارداد الکترونیکی علیه تاجر مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا اقامه دعوا کند، مطابق حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران دادگاه چه کشور یا کشورهایی صلاحیت دارند؟ و یا بالعکس در وضعیتی که مصرف‌کننده مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا بخواهد علیه تاجر مقیم یک کشور غیر عضو اتحادیه اقامه دعوا کند دادگاه یا دادگاه‌های صالح کدام‌اند؟

روش‌ها: در نگارش این اثر از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی در دو نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا استفاده شده است. با این توضیح که در این نوشتار با تکیه بر قواعد موجود در دو

استناد به این مقاله:

روخ چکاو، نگار و همکاران (۱۴۰۴). دادگاه صالح در دعاوی مصرف‌کننده علیه تاجر در قراردادهای الکترونیکی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران. *مجله مطالعات حقوقی*. ۱۷. (۱). ۵۵-۸۸.

نظام حقوقی مورد مطالعه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر به نقد و ارزیابی آن‌ها نیز پرداخته شده است تا نقاط قوت و ضعف این دو نظام حقوقی در موضوع این پژوهش روشن شود. همچنین در این بررسی از آرای صادره اروپایی در این زمینه نیز استفاده شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: در حقوق ایران در خصوص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران در دعاوی مصرف‌کننده علیه تاجر مقرره‌ای وضع نشده است؛ لذا قاضی ایرانی باید به قواعد صلاحیت داخلی دادگاه‌ها مراجعه کند. در اتحادیه اروپا بر اساس بند 3 ماده 17 مقررات بروکسل یک جدید 2012، چنانچه تاجر فعالیت - های حرفه‌ای و تجاری‌اش را به محل اقامت مصرف‌کننده «هدایت» و یا این‌گونه فعالیت‌ها را در محل اقامت وی «دنبال» کند، اگر مصرف‌کننده بخواهد دعوایی علیه تاجر اقامه نماید، بر اساس بند 1 ماده 18 مقررات مزبور در خصوص دادگاه صالح چند فرض متصور است:

الف. در فرض نخست، چنانچه مصرف‌کننده و تاجر هر دو مقیم کشورهای عضو اتحادیه باشند، مصرف‌کننده می‌تواند در محل اقامت خود یا تاجر علیه وی اقامه دعوا کند. همچنین در این حالت فرض دومی متصور است: تاجر علاوه بر اقامت در یک کشور عضو اتحادیه، دارای شعبه، مؤسسه یا نمایندگی در یکی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه باشد. مصرف‌کننده در این موقعیت حق انتخاب بیشتری دارد و می‌تواند با در نظر گرفتن محل شعبه، نمایندگی یا مؤسسه تاجر، علاوه بر طرح دعوا در محل اقامت خود یا تاجر، در محل شعبه یا نمایندگی یا مؤسسه‌ای که با آن قرارداد منعقد کرده، اقامه دعوا کند.

ب. در فرض دوم، مصرف‌کننده (خواهان) مقیم کشور عضو اتحادیه و تاجر (خوانده) مقیم کشور ثالث است و شعبه، مؤسسه یا نمایندگی در هیچ‌یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا ندارد. بر اساس بند 1 ماده 18 مقررات بروکسل یک جدید 2012 مصرف‌کننده - صرف‌نظر از محل اقامت تاجر - می‌تواند در دادگاه‌های کشور محل اقامت خود اقامه دعوا کند.

ج. در فرض سوم، تاجر در یک کشور عضو اتحادیه مقیم است اما مصرف‌کننده مقیم کشور ثالث (کشور غیر عضو اتحادیه) است. مصرف‌کننده‌ای که مقیم کشوری از اعضای اتحادیه نیست، مورد حمایت مقررات بروکسل یک جدید نیست. چنین مصرف‌کننده‌ای باید بر اساس ماده 4 مقررات بروکسل یک جدید 2012 که قاعده اصلی صلاحیت یعنی دادگاه محل اقامت خوانده را وضع کرده است به موجب قواعد ملی صلاحیت دادگاه‌ها در کشور محل اقامت تاجر علیه وی اقامه دعوا کند.

نتیجه‌گیری: قانون‌گذار اتحادیه اروپا برخلاف قانون‌گذار ایرانی به محل انعقاد قرارداد و اجرای تعهد در تعیین دادگاه صالح در دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده بی‌اعتنا است. رویکرد دو نظام حقوقی به ضابطه محل اقامت خواهان (مصرف‌کننده) متفاوت است. مناسب است قانون‌گذار

ایرانی معیار محل اقامت خواهان را با رعایت شرایطی به عنوان ملاک تعیین صلاحیت دادگاه ایرانی بپذیرد؛ والا معیار مزبور، کارایی چندانی برای مصرف کننده ایرانی به عنوان خواهان دعا نخواهد داشت. **واژگان کلیدی:** دادگاه صالح، دعاوی خصوصی بین المللی، قرارداد الکترونیکی، محل اقامت، مصرف کننده.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سرآغاز

ایترنت سبب توسعه تجارت الکترونیکی در سطح بین‌المللی و داخلی شده و انعقاد بسیاری از قراردادهای را به راحتی و با سرعت میسر کرده است. یکی از اقسام این قراردادهای، قرارداد الکترونیکی مصرف‌کننده است که در چنین قراردادی، مصرف‌کننده به منظور رفع نیاز شخصی و خارج از حرفه و تجارت خود با تاجر فعال در حوزه تجاری و حرفه‌ای‌اش قرارداد منعقد می‌کند. نابرابری قدرت چانه‌زنی طرفین و دانش حقوقی محدود مصرف‌کننده نسبت به تاجر، چنین قراردادی را در زمره قراردادهای الحاقی قرار می‌دهد. چنین وضعیتی سبب شده تا قانون‌گذاران کشورهای مختلف برای حمایت از مصرف‌کننده در مقابل تاجر چاره‌جویی کنند. در همین راستا در برخی نظام‌های حقوقی ضوابطی در خصوص امکان ابطال قرارداد یا تعدیل شروط غیرمنصفانه در این قراردادهای و یا جبران خسارات مصرف‌کننده پیش‌بینی شده است. با این حال باید توجه داشت که حمایت از مصرف‌کننده با وضع ضوابط ماهوی تنها بخشی از چالش را پوشش می‌دهد، در حالی که حمایت همه‌جانبه از مصرف‌کننده توجه به سایر ابعاد از جمله وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در دعوی مربوط به قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده را می‌طلبد، زیرا چه‌بسا عدم دسترسی مصرف‌کننده به دادگاه مناسب برای طرح دعوا مانع از احقاق حق و حتی منجر به سوءاستفاده تاجر از موقعیت ضعیف مصرف‌کننده شود.

بررسی ادبیات حقوقی ایران در این حوزه نشان می‌دهد در رابطه با موضوع دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی آثار ارزشمندی نگاشته شده است. همایون مافی، سام محمدی و حسین کاویار در مقاله‌ای با عنوان «دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی» (1390) به بررسی قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده و تعیین دادگاه صالح در حقوق اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. در این اثر، مفهوم مصرف‌کننده و مواد 15 الی 17 مقررات بروکسل یک و توافق انتخاب دادگاه تبیین شده است. همچنین به ضابطه‌ی «جهت‌دهی فعالیت تاجر به محل اقامت مصرف‌کننده» توجه ویژه‌ای شده است. با این حال از آنجاکه در زمان تدوین اثر مذکور، مقررات بروکسل یک جدید مصوب 2012 که در حال حاضر در اتحادیه اروپا لازم‌الاجراست تصویب نشده بود آخرین تحولات قانونی اتحادیه اروپا در این اثر مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه در این اثر معیارهای تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی در

حقوق ایران -آن گونه که در نوشتار حاضر مدنظر قرار گرفته است- به تفکیک بررسی نشده است. مصطفی بختیاروند در مقاله‌ای با عنوان «صلاحیت محاکم در قراردادهای الکترونیک مصرف کننده» (1389) موضوع دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی مصرف کننده را مورد بررسی قرار داده است. بخش اول این مقاله، اعتبار توافقی‌های انتخاب دادگاه در قراردادهای الکترونیکی مصرف کننده و بخش دوم مسئله دادگاه صالح در این گونه قراردادها را مورد توجه قرار داده است. باین حال این مقاله نیز با توجه به سال تدوین، مقررات بروکسل یک جدید را مدنظر قرار نداده و همچنین معیار «جهت دهی فعالیت های تاجر» را محور بحث قرار داده است. همایون مافی و سودابه اسدیان در مقاله‌ی «دادگاه صالح در دعاوی ناشی از قراردادهای تجاری الکترونیکی در نظام های حقوقی آمریکا و اروپا» (1395)، به مسئله تعیین دادگاه صالح در قراردادهای تجاری الکترونیکی پرداخته اند. در این اثر تعیین دادگاه صالح در حقوق ایران مورد توجه نبوده است. ضمن اینکه در زمینه اتحادیه اروپا نیز مقررات بروکسل یک جدید واکاوی نشده است. نکته مهم تر اینکه موضوع مقاله مزبور قراردادهای الکترونیکی بوده و با محوریت قراردادهای الکترونیکی «مصرف کننده» نوشته نشده است. با توضیحات فوق به نظر می رسد نگرارش مقاله حاضر که هم حقوق ایران و هم آخرین ضوابط لازم الاجرا در این موضوع در اتحادیه اروپا (مقررات بروکسل یک جدید، 2012) را مورد توجه قرار داده است می تواند در توسعه ادبیات حقوقی ایران در این زمینه مفید باشد.

با این توضیحات، مقاله حاضر به بررسی قواعد صلاحیت بین المللی دادگاه ها در اتحادیه اروپا و حقوق ایران در دعاوی الکترونیکی مصرف کننده می پردازد. به عبارت روشن تر مقاله به دنبال پاسخ این پرسش است که در فرضی که مصرف کننده، مقیم ایران بوده و بخواهد در خصوص قرارداد الکترونیکی منعقد شده میان او و تاجر مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا اقامه دعوا کند، مطابق حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران دادگاه چه کشور یا کشورهایی صالح به رسیدگی است؟ و یا بالعکس در وضعیتی که مصرف کننده مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در خصوص یک قرارداد الکترونیکی بخواهد علیه تاجر مقیم یک کشور

غیر عضو اتحادیه مانند ایران اقامه دعوا کند، دادگاه یا دادگاه‌های صالح به رسیدگی کدامند؟¹ بررسی دادگاه صالح در این گونه دعاوی، قابلیت پیش‌بینی تجار در خصوص دعاوی آینده و هزینه‌های ناشی از آن‌ها را افزایش می‌دهد و در طراحی شروط قراردادی به نحوی که موازنه قراردادی حاصل شود بسیار مهم است. شایان ذکر است که به دلیل تنوع قراردادهای الکترونیکی تاجر با مصرف‌کننده و نیز از آنجاکه قراردادهای خدمات با توجه به اقتضائات خاص خود نوشتار مجزایی را می‌طلبد، تمرکز این نوشتار بر قراردادهای الکترونیکی تاجر با مصرف‌کننده از نوع قراردادهای بیع است.

در این راستا در این جستار ابتدا به مفهوم مصرف‌کننده در قرارداد بین‌المللی الکترونیکی پرداخته می‌شود. سپس در بخش دوم مقاله پس از اشاره به پیشینه وضع ضوابط در تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده، ضوابط تعیین دادگاه صالح در این حوزه در حقوق اتحادیه اروپا و ایران به تفکیک و به صورت مقایسه‌ای بررسی می‌شود. در پایان، نتیجه‌ای از مطالب ارائه شده در مقاله ارائه می‌شود.

1. مفهوم مصرف‌کننده

در حقوق اتحادیه اروپا در برخی کنوانسیون‌های مرتبط با صلاحیت دادگاه‌های کشورها در رسیدگی به دعاوی، تعاریفی از مصرف‌کننده ارائه شده است. با این توضیح که گرچه در کنوانسیون بروکسل 1968² مصرف‌کننده تعریف نشده است با این حال، در ماده 13 اصلاحات سال 1978 کنوانسیون بروکسل³، مصرف‌کننده به عنوان شخصی که خارج از حرفه یا تجارت خود عمل می‌کند معرفی شد (Tang, 2015: 6). همچنین در بند 1 ماده 15 مقررات بروکسل

1. در این نوشتار، در مواردی جهت رعایت اختصار به جای «مصرف‌کننده مقیم اتحادیه اروپا»، «مصرف‌کننده مقیم ایران»، «تاجر مقیم اتحادیه اروپا» و «تاجر مقیم ایران» به ترتیب از «مصرف‌کننده اروپایی یا خارجی»، «مصرف‌کننده ایرانی»، «تاجر اروپایی یا خارجی» و «تاجر ایرانی» استفاده می‌شود.

2. Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters 1968.

3. Convention 78/884/EEC on the accession of the Kingdom of Denmark, Ireland and the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the 1968 Brussels Convention and to the Protocol on its interpretation by the Court of Justice, [1978] OJ L304/1.

یک 2001¹ و بند 1 ماده 17 مقررات بروکسل یک جدید 1215/2012 اتحادیه اروپا راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در مسائل مدنی و تجاری² (از این پس مقررات بروکسل یک جدید)، مقرر شده است: «مصرف کننده شخصی است که قرارداد را برای هدفی غیر از حرفه یا تجارت خود منعقد می کند». در صدر ماده 13 کنوانسیون لوگانو 1988 و بند 1 ماده 15 کنوانسیون لوگانو 2007³ و همچنین در بند 1 ماده 6 مقررات رم یک 2008⁴ در رابطه با قانون حاکم بر تعهدات قراردادی، تعریفی مشابه تعریف مقررات بروکسل یک جدید مشاهده می شود. با توجه به تعاریف فوق، به باور برخی (Hornle, 2009: 32-33) مفهوم قرارداد مصرف کننده دارای دو جزء محوری است: مصرف کننده، در صدد رفع نیاز شخصی خود باشد⁵ و تاجر در حوزه فعالیت های تجاری و حرفه ای اش قرارداد مزبور را منعقد کند.

در حقوق ایران در قانون تجارت الکترونیکی 1382، قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو 1386 و قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان 1388 قواعدی در حمایت از مصرف کننده پیش بینی شده است. بند (س) ماده 2 قانون تجارت الکترونیکی «هر شخصی که به منظوری، جز تجارت یا شغل حرفه ای اقدام می کند» را مصرف کننده می داند. به باور برخی (Fizi Chakab & Asadi, 2015: 70) در این تعریف به انگیزه و هدف خریدار توجه شده است و صرفاً اشخاصی که با انگیزه غیر تجاری اقدام به خرید می کنند در زمره مصرف کنندگان مورد حمایت واقع می شوند. همچنین به موجب بند «ب» ماده 1 آئین نامه اجرایی ماده 48 قانون تجارت الکترونیکی 1384: «مصرف کننده، هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی

1 Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters.

2. Regulation (EU) No 1215/2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast) [2012]. Art 17(1).

3. Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters 16 September 1988 revised in 30 October 2007 (The Lugano Convention).

4. Regulation (EC) No 593/2008 of the European Parliament and of the Council of 17 June 2008 on the law applicable to contractual obligations (Rome I).

5. Unfair Contract Terms Act 1977, s. 12(1)(a); Directive 93/13/EEC on Unfair Terms in Consumer Contracts, Art. 2(b); E-commerce Directive 2000/31/EC, Art. 2(e); Distance Selling Directive 1997/7/EC, Art. 2(2) and Jurisdiction Regulation EC/44/2001, Art. 15(1).

است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای به خرید کالا و خدمات اقدام می‌کند». علاوه بر تعاریف فوق، بند 5 ماده 1 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مقرر می‌دارد: «مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی یا حقوقی که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد». در بند 1 ماده 1 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصرف‌کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند. برخی (Youzباشی، ملائی & Abbasi, 2019: 310) در انتقاد از این تعریف بیان داشته‌اند که این قانون، هدف خریدار کالا یا خدمات را از خرید مدنظر قرار نداده است. به عقیده برخی دیگر (Taherzadeh-Kakli, 2008: 12) تعریف مزبور فلسفه قانون موردنظر را که حمایت از طرف ضعیف‌تر در قراردادهای مصرف‌کننده است، تأمین نمی‌کند. همچنین برخی نویسندگان (Ghaffari Farsani, 2010: 82) بر این باورند که مقصود قانون‌گذار از به کار بردن عبارت «خرید کردن» خریدار بوده است نه مصرف‌کننده و چنانچه مصرف‌کننده مدنظر باشد، بهتر است عبارت «استفاده کردن» به جای «خرید کردن» استعمال شود. با این توضیحات می‌توان گفت قرارداد الکترونیکی تاجر با مصرف‌کننده، قراردادی است که توسط یک طرف (مصرف‌کننده) به منظور رفع نیازهای شخصی، خانوادگی و خارج از حرفه یا تجارت خود و طرف مقابل (تاجر) در راستای حرفه یا تجارت خود و با استفاده از ابزارهای الکترونیکی منعقد می‌شود.

با توضیحات فوق در مقام مقایسه می‌توان گفت تعاریف ارائه‌شده در حقوق اتحادیه اروپا با تمرکز بر انگیزه و هدف غیرتجاری شخص، معیار نسبتاً روشنی برای تشخیص مصرف‌کننده ارائه داده است. این در حالی است که گرچه قانون‌گذار ایرانی در قانون تجارت الکترونیکی و آیین‌نامه اجرایی آن از معیار مشابهی پیروی کرده است اما در سال‌های بعد بدون توجه به رعایت هماهنگی در ارائه معیارهای قانونی، با ذکر عبارت «استفاده شخصی یا عمومی» در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو و با غفلت از عنصر «هدف از انعقاد قرارداد» و محدود کردن قراردادها به قرارداد بیع در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مفهوم مصرف‌کننده را دچار ابهام کرده است. در مجموع رویکرد حقوق اتحادیه اروپا در خصوص تبیین مفهوم مصرف‌کننده منسجم‌تر و با فلسفه حمایت از مصرف‌کننده سازگارتر است. با این حال همچنان ابهام‌هایی در این زمینه وجود دارد: مفهوم عبارت «خارج از حرفه یا تجارت» در تعریف مصرف‌کننده چیست؟ آیا قراردادهای با اهداف مختلف، در زمره

قراردادهای تاجر با مصرف کننده قرار می گیرند؟ و آیا شخص حقوقی به عنوان مصرف کننده ی قرارداد الکترونیکی می تواند مورد حمایت قرار گیرد؟

1-1 مفهوم «خارج از حرفه یا تجارت»

به طور معمول، استفاده شخصی یا خانوادگی و یا تأمین نیازهای شخص از نظر مصرف خصوصی را می توان خارج از تجارت یا حرفه هر شخصی دانست (Lutzi, 2018: 376). از این رو، تاجری که برای مقاصد تجاری و حرفه ای خود اقدام نکرده بلکه برای مقاصد شخصی خود قرارداد منعقد می کند، مصرف کننده محسوب می شود (Abdolahi & Sayyed, 2014, 123-124). البته ناگفته نماند در تعیین اینکه فعالیت یک تاجر خارج از حرفه و تجارت وی است معیاری ارائه نشده است. این امر منجر به بروز ابهام هایی می شود. مثلاً آیا قراردادی که با هدف کسب سود و خارج از حوزه فعالیت یا حرفه منعقد می شود قرارداد مصرف کننده محسوب می شود؟ به عقیده برخی (Ghaffari Farsani, 2010: 104-110) چون این اشخاص، خارج از حرفه یا تجارت خود و در راستای تأمین نیاز شخصی خود اقدام می کنند مصرف کننده محسوب می شوند. در همین راستا در دعوائی¹، دادگاه عالی انگلستان اظهار داشت سرمایه گذاران خصوصی که با هدف کسب سود از درآمدهای خود، قراردادهای ارزی منعقد می کنند اما از این طریق، امرار معاش نمی کنند، در راستای تجارت یا حرفه خود فعالیت نکرده اند و لذا مصرف کننده محسوب می شوند (Tang, 2015: 32). همچنین بررسی بخش 26 مقررات رم یک هم نشان می دهد که سرمایه گذاران خصوصی در این مقررات مصرف کننده تلقی می شوند (Tang, 2015: 32-33)².

1. Standard Bank London Ltd v Dimitrios and Styliani Apostolakis [2000] ILPr 766, 771.

2. با این حال دیدگاه مخالف نیز مشاهده می شود. در دعوائی (OGH, 25 October 2000–8 Nd 502/00) در خصوص باغبانی که به منظور پرورش اسب، اسپرم های فریز شده را خریداری می کرد دادگاهی در اتریش بیان کرد گر چه انعقاد این نوع قراردادها در راستای حرفه باغبان نبود اما در نظر گرفتن چنین قراردادی به عنوان قرارداد مصرف کننده محل تردید است، زیرا هدف از قرارداد به جای مصرف خصوصی شخص، کسب سود است و لذا نمی توان وی را مصرف کننده دانست (Wilderspin, 2016: 460).

پرسش دیگر این است که در موردی که مثلاً خریداری خارج از حرفه یا تجارت خود قراردادی با تاجر منعقد می‌کند اما در آینده از موضوع قرارداد برای تجارت یا حرفه خود استفاده می‌کند، آیا چنین قراردادی در حوزه قرارداد تاجر با مصرف‌کننده قرار می‌گیرد یا خیر؟ فرض مزبور در دعوایی¹ نزد دیوان دادگستری اروپا در تبیین مفهوم مصرف‌کننده و دادگاه صالح مطرح شد. دیوان در این دعوا بیان داشت مصرف‌کننده باید خارج از هرگونه فعالیت حرفه‌ای یا تجاری، چه در زمان حال و یا آینده، قرارداد خود را منعقد کند. به عبارت دیگر مصرف‌کننده شخصی است که قرارداد وی نه تنها در زمان انعقاد با هدفی خارج از تجارت یا حرفه وی منعقد شده است بلکه قرارداد مزبور خارج از حرفه یا تجاری باشد که در نتیجه قرارداد به آن خواهد پرداخت (Tang, 2015: 30-31).

2-1. مصرف‌کننده در «قراردادهای ترکیبی یا چندمنظوره»

ابهام دیگر در خصوص تعیین مصرف‌کننده در قراردادهای «چندمنظوره یا ترکیبی»² است. در این نوع قراردادها هدف شخص از انعقاد قرارداد، استفاده توأمان شخصی و تجاری است. حال سؤال این است که در موردی که شخصی بخشی از قرارداد را برای اهدافی خارج از تجارت یا حرفه خود و بخشی از قرارداد را برای هدف تجاری یا حرفه‌ای خود منعقد می‌کند آیا با یک قرارداد تاجر با مصرف‌کننده مواجهیم؟ برخی (Fizi Chakab & Asadi, 2015: 73) بر این باورند که آن بخش از قرارداد که جزء فرایند تجاری به شمار می‌آید قرارداد مصرف‌کننده تلقی نمی‌شود و بخشی که برای مصارف غیرتجاری و غیرحرفه‌ای منعقد شده است در حوزه قرارداد مصرف‌کننده مورد حمایت قرار می‌گیرد. با این حال این دیدگاه روشن نمی‌کند که چنانچه شخصی، کالایی را خریداری کند که از آن استفاده تجاری و غیرتجاری داشته باشد و قرارداد هم قابل تفکیک نباشد وضعیت چگونه است؟ به عنوان مثال، در دعوایی³ یک کشاورز مصالح ساختمانی برای تعویض سقف خانه مزرعه خود-که به همراه خانواده‌اش در آنجا

1. Case C-269/95 Benincasa v Dentalkit [1997] ECR I-3767.

2. Mixed Purpose

3. Case C-464/01 Gruber v Bay Wa AG [2005] ECR I-439.

زندگی می‌کرد- خریداری کرده بود. در این زمینه دیوان دادگستری اروپا با تکیه بر پیشینه مقررات حمایتی مصرف‌کنندگان و رویه قضایی موجود، رویکردهای مختلفی داشته است:

در رویکرد اول در دعوای فوق، قراردادهای چندمنظوره به‌عنوان قراردادهای غیر مصرفی (تجاری) در نظر گرفته شد، زیرا قواعد مربوطه با هدف حمایت از مصرف‌کننده به‌عنوان شخص ضعیف‌تر وضع شده است درحالی‌که خریداری که برای اهداف تجاری یا حرفه‌ای خود -ولو در حد ناچیز- قراردادی منعقد می‌کند در موقعیتی ضعیف‌تر قرار ندارد. همچنین مقررات مرتبط با صلاحیت حمایتی مربوط به مصرف‌کننده برخلاف اصل کلی «صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده» است و لذا باید تفسیر مضیق شود (Schmon, 2020:116). درهرحال اگر ارتباط میان قرارداد و حرفه و تجارت شخص آن‌چنان ناچیز باشد که نسبت به کل قرارداد، جزئی محسوب شود [نزدیک به صفر باشد] چنین شخصی مشمول حمایت‌های مصرف‌کننده قرار می‌گیرد (Chen, 2023:913). این رویکرد نشان می‌دهد که صرف اینکه هدف استفاده شخصی، غالب باشد کافی نیست تا قرارداد در عداد قراردادهای مصرف‌کننده قرار گیرد.

درهرحال در دعوای دیگری¹ دیوان، رویکرد متفاوتی برگزید. در این دعوا، دیوان بیان داشت که قرارداد با هدف دوگانه که «اساساً» برای رفع نیازهای شخصی منعقد شده است قرارداد مصرف‌کننده محسوب می‌شود. با این معیار، قراردادهای دوگانه‌ی بیشتری در عداد قراردادهای مصرف‌کننده قرار می‌گیرند.

در رویکرد سوم در دعوایی دیگر²، دیوان دادگستری اروپا مقرر داشت که تنها قراردادهایی که خارج از تجارت یا اهداف و فعالیت‌های حرفه‌ای و صرفاً به‌منظور رفع نیازهای خود فرد و در رابطه با مصرف شخصی منعقد می‌شود، قرارداد مصرف‌کننده است. کلمه «صرفاً» در این عبارات روشن می‌سازد که از نظر دیوان قراردادهایی با هدف ولو ناچیز تجاری یا حرفه‌ای در حوزه مقررات حمایتی مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرد. مزیت این رویکرد نسبت به دو رویکرد دیگر این است که دادگاه برای تشخیص مصرف‌کننده، نیاز به تشخیص این امر ندارد که آیا مقاصد تجاری شخص، ناچیز بوده یا اهداف شخصی غالب بوده است یا خیر (Tang,)

1. Case C-630/17, Milivojević v. Raiffeisenbank [2019].

2. Case C-419/11 Ceska Sportitelna, AS v Feichter [2013] ILPr 22.

2015:32). در هر حال این رویکردهای متفاوت نوعی عدم قابلیت پیش‌بینی و اطمینان در خصوص دادگاه صالح برای رسیدگی ایجاد می‌کند.

به نظر می‌رسد معیار اخیر یعنی قراردادهایی که «صرفاً» با هدف رفع نیازهای شخصی منعقد شوند معیار بهتری برای تشخیص مصرف‌کننده جهت تعیین دادگاه صالح است. باید توجه داشت که مسئله در اینجا تشخیص مصرف‌کننده برای تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا است. اگر معیار «اساساً برای رفع نیازهای شخصی» بخواهد اعمال شود در این صورت قاضی باید به نوعی وارد رسیدگی ماهیتی و درگیر جزئیات و سبک و سنگین کردن اهداف تجاری و شخصی شود تا بتواند تشخیص دهد قرارداد اساساً برای رفع نیازهای شخصی بوده یا خیر. لذا این معیار در مقایسه با معیار «صرفاً»، قاضی را در عبور از مرحله مقدماتی رسیدگی (تصمیم پیرامون صلاحیت) بیشتر به سمت بررسی امور ماهیتی سوق می‌دهد، این در حالی است که رسیدگی به امور ماهیتی اصولاً باید بعد از مرحله تشخیص صلاحیت دادگاه برای رسیدگی باشد. ضمن اینکه کلمه «اساساً» هم می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد و قضات ممکن است تفسیرهای متنوعی از آن ارائه دهند. این امر در نهایت می‌تواند نوعی عدم اطمینان در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به این‌گونه دعاوی پدید آورد و قابلیت پیش‌بینی اعلام صلاحیت یا عدم صلاحیت توسط دادگاه را برای اصحاب دعوا به شدت کاهش دهد.

1-3. اطلاق عنوان مصرف‌کننده بر شخص حقوقی

چالش دیگر، ابهام پیرامون اطلاق عنوان «مصرف‌کننده» بر شخص حقوقی است. آیا شخص حقوقی می‌تواند در یک قرارداد، مصرف‌کننده محسوب شود؟ در برخی مقررات برای مصرف‌کننده به‌وضوح از واژه «شخص حقیقی» استفاده شده است.¹ مطابق بند 1 ماده 6 مقررات رم یک نیز مصرف‌کننده باید «شخص حقیقی» باشد. در مقابل در قوانین برخی کشورها مانند ایران مصرف‌کننده اعم از شخص حقیقی و حقوقی است. قانون‌گذار ایرانی در بند س ماده 2 قانون تجارت الکترونیکی، مصرف‌کننده را هر شخصی می‌داند که با هدفی جز تجارت و شغل

1. Directive 97/7/EC of 20 May 1997 on the protection of consumers in respect of distance contracts [1997] OJ L144/1, Art 2(2); Directive 93/13/EEC of 5 April 1993 on unfair terms in consumer contracts (Unfair Terms Directive) [1993] OJ L95/29, Art 2(b); US Uniform Commercial Code, Arts 2 – 102.

حرفه‌ای خود عمل می‌کند و در تعریف شخص در بند «م» ماده 2 همان قانون بیان می‌دارد: «شخص اعم از شخص حقیقی و حقوقی و یا سیستم‌های رایانه‌ای تحت کنترل آن» است. در بند «ب» ماده 1 آئین‌نامه اجرایی ماده 48 قانون تجارت الکترونیکی 1384، نیز از شخص حقیقی و حقوقی یاد شده است. همچنین برخی نویسندگان (Ghaffari Farsani, 2010: 106) با توسل به بند 1 ماده 1 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده بر این باورند که فرض مصرف غیرتجاری برای اشخاص حقوقی فرض محالی نیست، زیرا شرکت‌های تجاری مانند اشخاص حقیقی ضروریاتی دارند که با اهداف فعالیت تجاری آن ملازمه ندارد و همچنین برخی اشخاص حقوقی مانند مؤسسات غیرانتفاعی و یا نهادهای دولتی، تاجر نیستند. به دیدگاه فوق، دو نقد وارد است: نخست، در بند «م» ماده 2 قانون اخیرالذکر، شخص اعم از حقیقی، حقوقی یا سیستم‌های رایانه‌ای تحت کنترل است. چنانچه شخص در بند «س» ماده 2 همان قانون بر اساس بند «م» تبیین شود، مصرف‌کننده اعم از شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود و سیستم‌های رایانه‌ای را نیز در برمی‌گیرد درحالی‌که تعبیر سیستم رایانه‌ای به عنوان مصرف‌کننده فرض بعیدی است؛ دوم، نیازهای ضروری و مصارف غیرتجاری شرکت‌ها در راستای تأمین اهداف تجاری آن‌هاست؛ به‌طور مثال، انعقاد قرارداد سفارش غذا توسط یک شرکت خودروسازی برای رفع نیاز خصوصی کارکنان آن شرکت است که در راستای اهداف تجاری شرکت فعالیت می‌کنند و این کارکنان هستند که مصرف‌کننده نهایی محسوب می‌شوند نه شخص حقوقی شرکت.

2. ضوابط تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده در اتحادیه اروپا و ایران

در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی به دعاوی مصرف‌کننده علیه تاجر که ناشی از یک قرارداد الکترونیکی است، نظام‌های حقوقی مختلف، ضوابط متعددی وضع کرده‌اند. در حال ازنجا که در این نوشتار حقوق اتحادیه اروپا و ایران مدنظر است در ادامه، ضوابط پیش‌بینی‌شده در این دو نظام حقوقی مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا از خلال این بررسی وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در این زمینه روشن شود.

نظام حقوقی اتحادیه اروپا در زمره نظام‌هایی است که ضوابطی در خصوص صلاحیت دادگاه‌ها برای دعاوی مصرف‌کننده وضع کرده است. در کنوانسیون بروکسل 1968 ضوابطی در

جهت حمایت از مصرف‌کننده در خصوص تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلاف‌های ناشی از قراردادهای اعتباری و فروش اقساطی پیش‌بینی شده است؛ با این توضیح که به استناد ماده 14 کنوانسیون مذکور، خریدار یا وام‌گیرنده در اختلاف‌های ناشی از قرارداد با فروشنده یا وام‌دهنده می‌تواند در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوا کند. البته توجه به تصمیم‌های دیوان دادگستری اروپا در برخی پرونده‌ها¹ منجر به اصلاحات متعددی در کنوانسیون شد. به‌طور مثال در اصلاحات کنوانسیون در 1978 در بند 3 ماده 13 کنوانسیون، علاوه بر قراردادهای فروش اعتباری و وام اقساطی، مصرف‌کنندگان در سایر قراردادهای فروش کالا و خدمات نیز از این قاعده حمایتی یعنی امکان اقامه دعوا در محل اقامت خود برخوردار شدند (Tang, 2015: 223-224; Bonomi, 2015: 6). متعاقباً، در سال 2001 کنوانسیون بروکسل جای خود را به مقررات بروکسل یک راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام داد که از مارس 2002 در همه کشورهای عضو اتحادیه لازم‌الاجرا شد. قاعده حمایتی (امکان اقامه دعوا در محل اقامت مصرف‌کننده) در بند 3 ماده 15 مقررات بروکسل یک 2001 تکرار شد. در آخرین اصلاحات در 12 دسامبر 2012 پارلمان و شورای اتحادیه اروپا با الغای مقررات بروکسل یک، مقررات بروکسل یک جدید راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی و تجاری را تصویب کرد که از 10 ژانویه 2015 لازم‌الاجرا شده است و در حال حاضر مبنای اصلی تعیین صلاحیت قضایی در اتحادیه اروپا است (Hess, 2022: 1-5). شایان‌ذکر است که مقررات بروکسل یک جدید در خصوص تعیین دادگاه صالح صرفاً در رابطه با دعای حقوقی آغاز شده، اسناد معتبری که به‌طور رسمی تنظیم یا ثبت شده‌اند و سازشی که در دادگاه در تاریخ 10 ژانویه 2015 یا پس‌از آن تأیید یا منعقد شده‌اند، اعمال می‌شود؛ بنابراین نسبت به اختلاف‌هایی که قبل از تاریخ فوق، اقامه شده و در جریان رسیدگی است مقررات بروکسل یک 2001 اعمال می‌شود (Heinze & Steinrotter, 2017:3).

بررسی مقررات بروکسل یک جدید نشان می‌دهد که گرچه ضوابط آن بر هر نوع قرارداد تاجر با مصرف‌کننده (اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی) حاکم است اما وضع ضوابط در این مقررات با نگاهی به توسعه تجارت الکترونیکی صورت گرفته است. توضیح این‌که با

1. Case 150/77 Bertrand v Ott [1978] ECR 1431, para 21.

توجه به افزایش مبادلات الکترونیکی، حوزه صلاحیت دادگاه‌های کشورهای اتحادیه در این مقررات به تاجر مقیم در کشور ثالث کشیده شده است. این مسئله در مقررات قبلی سابقه نداشته است. موضع نظام حقوقی اتحادیه اروپا در خصوص تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی مصرف کننده در مواد 4، 17 و 18 مقررات بروکسل یک جدید متمرکز است. در حقوق ایران برخی قوانین در باب حمایت از مصرف کننده وضع شده است. قانون تجارت الکترونیکی 1382، قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو 1386 و قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان 1388 از جمله مقررات مزبور است. باین حال، در هیچ یک از مقررات یادشده در خصوص صلاحیت بین المللی دادگاه‌های ایران در دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف کننده، مقرره‌ای وضع نشده است. باین حال برخی (Mafi, Mohammadi & Kaviar, 2011: 181) بیان داشته‌اند: از ماده 44 قانون تجارت الکترونیکی می‌توان فهمید دادگاه‌ها در تعیین صلاحیت برای رسیدگی به این گونه دعاوی باید از قواعد عام صلاحیت دادگاه‌ها در ایران پیروی کنند. باین حال، در قانون آیین دادرسی مدنی 1379، قواعدی برای تعیین صلاحیت بین المللی دادگاه‌های ایرانی پیش‌بینی نشده است و از این رو قاضی ایرانی باید به قواعد صلاحیت داخلی دادگاه‌های ایران متوسل شود (Kabry, Ansari & Khodabakhshi, 136: 2021). در حال حاضر در حقوق ایران، مواد 11، 13 و 23 ق.آ.د.م، معیارهایی برای تعیین دادگاه صالح در هرگونه اختلاف ناشی از یک قرارداد ارائه می‌دهند که در موضوع بحث این نوشتار نیز مورد استفاده است. با این توضیحات در ادامه معیارهای ارائه شده در این دو نظام حقوقی به صورت مجزا بررسی می‌شوند.

1-2 محل اقامت خوانده

بند 1 ماده 4 مقررات بروکسل یک جدید (همانند بند 1 ماده 2 مقررات بروکسل یک) مقرر می‌دارد: «در خصوص اشخاص مقیم در یک کشور عضو اتحادیه، بدون لحاظ تابعیت آن‌ها، باید در دادگاه همان کشور عضو، اقامه دعوا شود»¹. این ماده دو هدف را دنبال می‌کند: از یک- سو، قلمرو سرزمینی صلاحیت قضایی مقررات بروکسل یک جدید را تبیین کرده و از سوی

1. Art 4(1): "Subject to this Regulation, persons domiciled in a Member State shall, whatever their nationality, be sued in the courts of that Member State".

دیگر، قاعده عمومی در خصوص صلاحیت قضایی تعیین کرده است. در توجیه وضع چنین قاعده‌ای بیان شده که خوانده در دادگاه محل اقامت خود بهتر، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از دعوا دفاع می‌کند. ماده 4 دو اصل «قطعیت حقوقی» و «انصاف قضایی» را به عنوان اهداف اصلی مقررات بروکسل یک جدید مدنظر قرار داده است (Mariottini, 2022: 61). به موجب بند 1 ماده 4 مزبور، اقامت در کشور عضو به معنای ارتباط میان دعوا و قلمرو سرزمینی آن کشور عضو محسوب می‌شود.

قانون‌گذار ایران نیز چنین معیاری را می‌پذیرد. محل اقامت خوانده یکی از معیارهای مهم در تعیین دادگاه صالح در حقوق ایران است. طبق ماده 11 ق.آ.د.م اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است. به عقیده برخی (Shams, 2005: 404) عامل ارتباطی اقامت خوانده، با برخی اصول عملیه (مانند اصل برائت) و اماره دلالت ظاهر بر واقع، تطابق دارد. شخصی که خلاف اصل برائت ادعایی دارد باید آن را در دادگاهی که برای طرف مقابل، دارای کمترین هزینه و زحمت است، اثبات کند. همچنین همان‌گونه که برخی (Mafi & Hosseini, 2017: 300) بیان داشته‌اند معمولاً اموال خوانده، در محل اقامت وی موجود است و چنانچه رأی از دادگاه محل اقامت خوانده صادر شود و وی محکوم‌علیه دعوا شود، شناسایی اموال وی و اجرای حکم نیز آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود. در دعاوی میان مصرف‌کننده با تاجر در صورتی که مصرف‌کننده خارجی و تاجر ایرانی باشد باید به قاعده اصلی (محل اقامت خوانده) مطابق صدر ماده 11 ق.آ.د.م متوسل شد اما در موردی که مصرف‌کننده ایرانی به عنوان خواهان، قصد اقامه دعوا علیه تاجر خارجی در محاکم ایران داشته باشد، نمی‌توان به این قاعده تمسک جست؛ بنابراین لازم است سایر ضوابط در خصوص تعیین دادگاه صالح در اختلافات ناشی از قراردادهای یادشده مورد واکاوی قرار گیرد.

2-2 محل انعقاد قرارداد

معیار محل انعقاد قرارداد در تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده مورد توجه قانون‌گذار اروپایی قرار نگرفته است. باین حال، در حقوق ایران، ماده 13 قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه

آن واقع شده است...؛ بنابراین طبق این ماده برای مثال چنانچه مصرف کننده مقیم ایران در یک قرارداد الکترونیکی مال منقولی را از فروشنده خارجی خریداری کند، اگر دادگاه ایرانی محل انعقاد چنین قراردادی را ایران بداند، دادگاه ایرانی به عنوان دادگاه محل وقوع عقد صلاحیت رسیدگی به دعوا خواهد داشت. البته شایان توجه است همان طور که برخی (Nahreini, 2017: 425; Shams, 2005: 222) بیان کرده اند توسل به معیار محل وقوع عقد در ماده 13 قانون آیین دادرسی مدنی ایران مانع از اعمال صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده (موضوع ماده 11) نیست. ذکر کلمه «می تواند» در ماده 13 مزبور و همچنین رأی وحدت رویه شماره 9 به تاریخ 1359/3/28 در مورد ماده 22 قانون آیین دادرسی مدنی سابق که استدلال مندرج در آن در مورد ماده 13 قانون آیین دادرسی 1379 نیز قابل استفاده است، مؤید چنین دیدگاهی است؛ بنابراین می توان گفت در دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف کننده، خواهان (مصرف کننده) علاوه بر امکان رجوع به دادگاه محل اقامت خوانده، می تواند به دادگاه محل اجرای تعهد یا دادگاه محل انعقاد عقد نیز رجوع کند.

در هر حال باید توجه داشت که استفاده از معیار محل انعقاد عقد برای تعیین دادگاه صالح در اختلاف های ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف کننده چندان آسان نیست، زیرا در قوانین ایران در خصوص زمان و مکان انعقاد قراردادهای الکترونیکی ضوابط خاصی پیش بینی نشده است. در فقدان چنین ضوابطی، ناچار باید به سراغ دکترین حقوقی پیرامون زمان انعقاد عقد بین غایبان رجوع کرد تا پس از تعیین زمان انعقاد، به تبع آن مکان انعقاد عقد هم مشخص شود. باین حال در خصوص زمان انعقاد عقد در عقد بین غایبان اتفاق نظری میان حقوقدانان ایرانی وجود ندارد. نظریه های «صدور قبول»، «ارسال قبول»، «دریافت قبول» و «اطلاع از قبول» طرفدارانی در حقوق ایران دارد و طبیعی است که این اختلاف در زمان انعقاد، در تعیین مکان انعقاد عقد نیز مؤثر است¹. شاید به دلیل همین اختلاف ها، قانون گذار ایرانی در قانون تجارت الکترونیکی متعرض مسئله زمان و مکان انعقاد قرارداد الکترونیکی نشده و موضوع را مسکوت گذاشته است. همچنین ممکن است بی اعتنائی حقوق اتحادیه اروپا به محل انعقاد عقد در

1. برای مطالعه بیشتر و نقد و بررسی دیدگاه های مزبور ر.ک: (Shiravi, 2017: 79-83).

تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده، ناشی از توجه به چالش‌هایی بوده که در تعیین زمان و مکان انعقاد این گونه قراردادها وجود دارد.

3-2. محل اجرای تعهد

محل اجرای تعهد یکی از ضوابط تعیین صلاحیت دادگاه‌ها در حقوق اتحادیه اروپاست. صدر ماده 7 مقررات بروکسل یک جدید مقرر می‌دارد که علیه خوانده مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیه می‌توان در دادگاه‌های کشور دیگر عضو اتحادیه که محل اجرای تعهدات قراردادی است اقامه دعوا کرد. در ادامه در بند الف پاراگراف یک ماده 7، دادگاه محل اجرای تعهد را نیز دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تعهدات قراردادی می‌داند. بند ب پاراگراف یک همین ماده مقرر می‌دارد که -جز در مواردی که طرفین توافق دیگری کرده باشند- در قراردادهای فروش کالا، محل اجرای تعهد محلی است که مطابق قرارداد، کالا تحویل داده شده یا باید تحویل داده می‌شد و در مورد قراردادهای ارائه خدمات، محلی اجرای تعهد محلی است که طبق قرارداد، خدمات ارائه شده یا باید ارائه می‌شد.

البته دو نکته راجع به بند الف و ب پاراگراف مزبور قابل توجه است: نکته اول اینکه اعمال این بند نافی صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده (مندرج در ماده 4 مقررات بروکسل یک جدید) نیست. بلکه قانون‌گذار اروپایی در کنار صلاحیت عام دادگاه محل اقامت خوانده، به‌منظور تسهیل دادرسی دادگاه محل اجرای تعهد را هم برای اقامه دعوا صالح دانسته است. نکته دوم و مهم‌تر این است که بخش‌های 3، 4 و 5 فصل دوم مقررات بروکسل یک جدید که حاوی ضوابط خاصی برای تعیین دادگاه صالح در رسیدگی به دعاوی مرتبط با قراردادهای بیمه، کار و مصرف‌کننده می‌باشند از شمول پاراگراف 1 ماده 7 مقررات خارج اند (Lehmann, 2015: 132, 146)؛ بنابراین می‌توان گفت ضابطه «محل اجرای تعهد» در تعیین دادگاه صالح در دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده قابل اعمال نیست.

در حقوق ایران توجه به ضابطه «محل اجرای تعهد» در تعیین دادگاه صالح در مواد 13 و 23 قانون آ.د.م ایران¹ مشاهده می شود. برخی نویسندگان ایرانی (Habibzadeh, 2017: 284) با توجه به مواد مزبور معتقدند که چنانچه مصرف کننده مقیم ایران، با مشاهده یک وبسایت مانند آمازون، کتابی را سفارش دهد، توجه به مکان فیزیکی تحویل کتاب برای تعیین صلاحیت قضایی بین المللی راهگشاست. اگرچه در این فرض، قرارداد به صورت الکترونیکی منعقد شده است اما مصرف کننده می تواند با ذکر آدرس پستی خود برای دریافت کالا، محل اجرای تعهد تاجر را تعیین کند. با پذیرش این دیدگاه، چنانچه کتاب تحویلی با مشخصات ذکر شده در وبسایت تطابق نداشته باشد مصرف کننده می تواند با استناد به مواد 13 یا 23 ق.آ.د.م ایران، در دادگاه محل اجرای تعهد تاجر که محل اقامت خود مصرف کننده است، اقامه دعوا کند.

تحلیل فوق مربوط به کالایی است که به طور فیزیکی تحویل مصرف کننده می شود اما در مواردی که موضوع قرارداد، ناملموس است مانند نرم افزار رایانه ای که به صورت الکترونیکی مورد معامله واقع می شود نحوه تسلیم آن، در تعیین محل اجرای تعهد شایان توجه است. در فرضی که نرم افزار یا بازی رایانه ای در یک حامل فیزیکی مانند لوح فشرده قرار گرفته است تحویل آن با کالاهای فیزیکی تفاوتی نمی کند و دادگاه محل تحویل لوح فشرده حاوی بازی یا نرم افزار رایانه ای، صالح به رسیدگی است؛ اما جایی که کالای دیجیتالی مثلاً یک کتاب از طریق در اختیار قرار دادن لینک در سایت و دانلود فایل توسط خریدار در اختیار وی قرار می گیرد، تعیین محل اجرای تعهد دشوار است. قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیکی ایران در این خصوص ساکت اند. در اینجا چند نظریه وجود دارد:

1. ماده 13: «در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود». ماده 23: «دعوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آن که شعبه یاد شده برجیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد».

در نظریه نخست، دادگاه صالح یا دادگاه محل استقرار سیستم رایانه‌ای خریدار یا محل سروری است که وبسایت تاجر، کالاهای دیجیتالی را در آن بارگذاری کرده و مصرف‌کننده آن را از این مکان دانلود می‌کند. در این فرض از آنجاکه ممکن است خریدار در زمان مسافرت به یک کشور ثالث کالا را خریداری کرده یا سرور وبسایت تاجر در کشور ثالثی باشد این امر می‌تواند منجر به صلاحیت دادگاه یک کشور ثالث برای رسیدگی به دعوا شود.

در نظریه‌ای دیگر، می‌توان محل دریافت کالای دیجیتال را به عنوان محل تحویل در نظر گرفت. مطابق این نظر، دانلود کالای دیجیتال توسط مصرف‌کننده همان عملکردی را انجام می‌دهد که یک سیستم پستی سریع، کالا را از تاجر به مصرف‌کننده تحویل می‌دهد (Habibzadeh, 2017: 285-287). در هر حال باید توجه داشت که مصرف‌کننده آدرس پستی معینی دارد در حالی که در زمان دانلود کالا، مصرف‌کننده آدرس مشخصی ندارد و در هر مکانی می‌تواند کالا را تحویل گیرد. این امر می‌تواند منجر به عدم اطمینان طرفین قرارداد در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی به دعوا باشد.

در نظریه سوم، «کالای دیجیتالی را می‌توان مانند مجموعه‌ای از داده‌پیام در نظر گرفت و محل اجرای تعهد را محلی دانست که اطلاعات در آنجا دریافت می‌شود». با این توضیح که «در این مکان است که مصرف‌کننده می‌تواند از کالا بهره‌مند شود و می‌توان گفت کالا به وی تسلیم شده است. کالاهای دیجیتالی مجموعه‌ای از داده‌پیام‌ها هستند و لذا چنانچه مقدار اندکی از داده-پیام‌ها تحویل نشود، کالا قابل استفاده نیست و می‌توان گفت کالا تحویل داده نشده است. این تحلیل با ماده 29 قانون تجارت الکترونیکی ایران که محل تجارت یا کار مخاطب، محل دریافت داده پیام در نظر گرفته شده است هماهنگ است» (Habibzadeh, 2017: 287-288).

دیدگاه دیگر این است که در قرارداد الکترونیکی میان تاجر و مصرف‌کننده، تسلیم دربردارنده اقدام‌هایی است که به‌طور معمول از جانب تاجر شروع شده و در محل استقرار مصرف‌کننده خاتمه می‌یابد و به‌طور مفروض محل استقرار مصرف‌کننده محل اقامت یا محل سکونت دائمی وی است (Habibzadeh, 2017: 289; Habibzadeh, 2011: 225-226).

در هر حال هیچ‌یک از نظرات یادشده، جهت تعیین دادگاه صالح اطمینان‌بخش نیست و به نظر می‌رسد دخالت قانون‌گذار در این زمینه بایسته است.

4-2 محل اقامت خواهان

به موجب بند 1 ماده 6 مقررات بروکسل یک جدید، ماده 18 این مقررات، یکی از استثنائات قاعده کلی صلاحیت محل اقامت خوانده محسوب می شود (Lazic & Stuij, 2015:57). مطابق ماده 18 مصرف کننده می تواند در چارچوب ماده 17 در محل اقامت خود علیه تاجر اقامه دعوا کند.¹ ماده 17 مقرر می دارد:

«1- در مسائل مرتبط با قرارداد منعقدۀ توسط یک شخص، مصرف کننده که با هدفی خارج از تجارت و حرفه وی منعقد می شود صلاحیت، بدون صدمه به ماده 6 و پاراگراف 5 ماده 7، باید بر اساس ضوابط این بخش تعیین شود اگر:

الف) قراردادی برای فروش کالا با شرایط اعتبار اقساطی منعقد شود؛

ب) قرارداد برای وام قابل بازپرداخت با اقساط یا هر نوع دیگری از اعتبار برای تأمین مالی فروش کالا منعقد شود یا

ج) در تمامی قراردادهای دیگر، چنانچه قرارداد با شخصی منعقد شود که فعالیت های تجاری یا حرفه ای اش را در کشور عضو محل اقامت مصرف کننده دنبال می کند یا به هر طریقی چنین فعالیت هایی را به آن کشور عضو یا چندین کشور از جمله آن کشور عضو، هدایت می کند و قرارداد در حوزه این فعالیت ها قرار می گیرد.

2- در موردی که مصرف کننده با طرفی که در یکی از کشورهای عضو مقیم نیست اما شعبه، نمایندگی یا مؤسسه دیگری در یکی از کشورهای عضو دارد قرارداد منعقد کند، آن طرف [تاجر] باید در اختلافات ناشی از فعالیت شعبه، نمایندگی یا مؤسسه، مقیم آن کشور عضو محسوب شود.

3- ضوابط این بخش نباید در مورد قرارداد حمل و نقل اعمال شود، جز در موردی قراردادی که در ازای مبلغی، ترکیبی از سفر و اسکان را فراهم می کند».

¹. فقدان قدرت چانه زنی، هزینه دادرسی بالا، خطر طرح دعوا در محلی به غیر از محل اقامت مصرف کننده، دانش حقوقی محدود وی و محدودیت در دسترسی به مشاوره حقوقی از جمله عواملی است که وضع چنین استثنایی را توجیه می کند (Law, 2022:244).

ماده 18 در خصوص دادگاه صالح در رابطه با قراردادهای مذکور در ماده 17 مقرر می‌دارد: «1- مصرف‌کننده می‌تواند علیه طرف دیگر قرارداد در دادگاه‌های کشور عضو که آن طرف [خوانده]، در آن اقامت دارد یا بدون توجه به اقامتگاه طرف مقابل، در دادگاه‌های محلی که مصرف‌کننده در آن اقامت دارد، دعوا اقامه کند...». به عقیده برخی نویسندگان (Mafi, 171-172: Mohammadi & Kaviar, 2011) چنین ضابطه‌ای در تشویق مصرف‌کنندگان برای انعقاد قراردادهای الکترونیکی و رشد تجارت الکترونیکی مؤثر است.

با توجه به مقررات فوق و تمرکز بر دو معیار «دنبال کردن...» یا «هدایت...» فعالیت تاجر به محل اقامت مصرف‌کننده، در حالتی که مصرف‌کننده پس از انعقاد قرارداد، بخواهد دعوی علیه تاجر اقامه کند در خصوص دادگاه صالح به رسیدگی سه حالت متصور است: (الف) مصرف‌کننده و تاجر هر دو مقیم اتحادیه اروپا هستند. (ب) مصرف‌کننده مقیم اتحادیه و تاجر مقیم کشور ثالث (کشور غیر عضو اتحادیه) است و (ج) مصرف‌کننده مقیم کشور ثالث (کشور غیر عضو اتحادیه) و تاجر مقیم اتحادیه است. در ادامه سه حالت مزبور بررسی می‌شود:

2-4-1. مصرف‌کننده و تاجر مقیم اتحادیه اروپا

در فرضی که مصرف‌کننده و تاجر هر دو مقیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند و تاجر فعالیت‌های تجاری و حرفه‌ای خود را به کشور محل اقامت مصرف‌کننده هدایت کرده و با وی قرارداد منعقد کند، به موجب بند 1 ماده 18 مقررات بروکسل یک جدید، مصرف‌کننده می‌تواند دعوا را در دادگاه محل اقامت خوانده یا دادگاه محل اقامت خود، اقامه کند.

البته در این حالت دو فرض متصور است:

الف) مصرف‌کننده (خواهان) و تاجر (خوانده) هر دو مقیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند.

ب) مصرف‌کننده (خواهان) مقیم یک کشور عضو اتحادیه (مثلاً فرانسه) و تاجر (خوانده) مقیم کشور دیگری از اعضای اتحادیه (مثلاً آلمان) و همچنین دارای شعبه، مؤسسه یا نمایندگی در یکی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا (مثلاً بلژیک) است. در حالت اول، مصرف‌کننده (خواهان) می‌تواند در محل اقامت خود یا تاجر (خوانده) اقامه دعوا کند (Law, 2022: 275). چنانچه تاجری بعد از انعقاد قرارداد با مصرف‌کننده، به کشور دیگری

نقل مکان کند، مصرف کننده در صورت تمایل به اقامه دعوا در محل اقامت تاجر (خوانده)، باید در محل اقامت جدید وی، به طرح دعوا بپردازد. در فرض دوم، مصرف کننده حق انتخاب بیشتری دارد. با این توضیح که مصرف کننده (خواهان) می تواند به استناد بند 1 ماده 18 و بند 5 ماده 7 مقررات بروکسل یک جدید، با در نظر گرفتن محل شعبه، نمایندگی یا مؤسسه تاجر، علاوه بر طرح دعوا در محل اقامت خود یا تاجر، در محل شعبه یا نمایندگی یا مؤسسه ای که اختلاف از عملیات و فعالیت های آن شعبه یا نمایندگی ناشی شده، اقامه دعوا کند (Bonomi, 2015: 215, 231-232). همچنین، اگر تاجر شخص حقوقی باشد اقامتگاه وی بر اساس بند 1 ماده 63 مقررات اخیرالذکر تعیین می شود: مقر قانونی، اداره مرکزی و محل اصلی فعالیت تجاری؛ بنابراین مصرف کننده می تواند در هریک از مکان های مذکور علیه تاجر اقامه دعوا کند (Mariottini, 2022: 64).

2-4-2. مصرف کننده مقیم اتحادیه اروپا و تاجر مقیم کشور ثالث

فرض دوم، مربوط به وضعیتی است که مصرف کننده (خواهان) مقیم کشور عضو اتحادیه اروپا و تاجر (خوانده) مقیم کشور ثالث است و شعبه، مؤسسه یا نمایندگی در هیچ یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا ندارد. در این حالت یا خواهان می تواند با توسل به قواعد ملی صلاحیت بین المللی یکی از کشورهای عضو، دعوا را در یک کشور عضو اتحادیه اقامه کند. مثلاً در حالتی که مطابق قواعد ملی یکی از کشورهای عضو چنانچه یکی از طرفین دعوا تبعه آن کشور باشد دادگاه های آن کشور صالح به رسیدگی باشد و تاجر نیز تبعه آن کشور باشد، دادگاه کشور مزبور صالح به رسیدگی است؛ اما چنانچه مصرف کننده بخواهد در محل اقامت خود اقامه دعوا کند گرچه به موجب ماده 16 مقررات بروکسل یک 2001، اقامه دعوا توسط مصرف کننده در محل اقامت خود، در صورتی ممکن است که هر دو طرف، مقیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشند اما بر اساس بند 1 ماده 18 مقررات بروکسل یک جدید 2012 مصرف کننده -صرف نظر از محل اقامت تاجر- می تواند در دادگاه های کشور محل اقامت خود اقامه دعوا کند. به نظر می رسد هدف از وضع این قاعده، افزایش توانایی دادخواهی مصرف کننده در اقامه دعوا با آیین دادرسی ویژه دادگاه های محل اقامت خودش است. در این فرض، وی با تکیه بر قوانین ملی محل اقامت خود از حمایت بیشتری برخوردار خواهد بود

(Law, 2022:275; Bonomi, 2015:215). همان‌طور که برخی (Law, 2022:275) بیان داشته‌اند مقررات بروکسل یک جدید صرفاً تعیین‌کننده صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های اتحادیه اروپا در رسیدگی به این‌گونه دعاوی است؛ لذا بعد از تعیین صلاحیت بین‌المللی بر اساس مقررات مزبور، باید به قواعد دادرسی ملی کشور موردنظر (اقامتگاه مصرف‌کننده یا تاجر) مراجعه و بر اساس قواعد صلاحیت محلی آن، دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا را تشخیص داد.

2-4-3. مصرف‌کننده مقیم کشور ثالث و تاجر مقیم اتحادیه اروپا

در این فرض، تاجر در یک کشور عضو اتحادیه اروپا مقیم است اما مصرف‌کننده، مقیم کشور ثالث (کشور غیر عضو اتحادیه اروپا) است. امکان اقامه دعوا توسط مصرف‌کننده به‌عنوان خواهان در محل اقامت خودش در بند 1 ماده 18 مقررات بروکسل یک جدید محدود به موردی است که مصرف‌کننده در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مقیم باشد؛ بنابراین مصرف‌کننده‌ای که مقیم کشوری از اعضای اتحادیه نیست، مورد حمایت مقررات بروکسل یک جدید نیست. از این‌رو چنین مصرف‌کننده‌ای باید بر اساس ماده 4 مقررات بروکسل یک جدید 2012 که قاعده اصلی صلاحیت (دادگاه محل اقامت خوانده) را وضع کرده است به‌موجب قواعد ملی صلاحیت دادگاه‌ها در کشور محل اقامت تاجر علیه وی اقامه دعوا کند (Law, 2022: 252).

حال پس از بررسی ضابطه «محل اقامت خواهان» در حقوق اتحادیه اروپا، توجه به ماده 11 قانون آ.د.م ایران در این خصوص شایان توجه است. بر اساس ماده 11 قانون آ.د.م ایران، صلاحیت دادگاه بر اساس موقعیت جغرافیایی خوانده تعیین می‌شود. با این توضیح که موقعیت جغرافیایی خوانده - البته با رعایت اولویت به اقامتگاه قانونی، محل سکونت و محل اموال غیرمنقول وی ارتباط دارد. باین‌حال آخرین معیار وضع شده در ماده 11 قانون مزبور، ارتباطی به موقعیت جغرافیایی خوانده ندارد، بلکه به اقامتگاه خواهان اشاره دارد (Nahreini, 2017: 196-197). قسمت اخیر ماده 11 قاعده حل تعارض در صلاحیت محاکم است (Mohajeri, 2009: 83) که مقرر می‌دارد چنانچه خوانده (تاجر در فرض حاضر) در ایران اقامتگاه، محل سکونت و اموال غیرمنقول نداشته باشد، مصرف‌کننده به‌عنوان خواهان مقیم ایران می‌تواند در دادگاه ایرانی اقامه دعوا کند.

گرچه برخی (Shams, 2005: 410) معتقدند که در خصوص معیار محل اقامت خواهان، قانون‌گذار ایران هماهنگ با مقررات اکثر کشورها در توسعه صلاحیت دادگاه‌های ملی عمل کرده اما تحولات اخیر حقوق اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که توسل به این معیار با رعایت برخی شروط امکان‌پذیر است. همچنین همان‌طور که برخی (Shams, 2005: 410; Sadrzadeh & Afshar, 2001: 140 & Nasiri, 2017: 340) بیان داشته‌اند توسل به این معیار توسط خواهان ایرانی و صدور حکم از دادگاه ایران در صورتی سودمند خواهد بود که خوانده اموالی در ایران داشته باشد تا امکان اجرای رأی در ایران وجود داشته باشد در غیر این صورت خواهان ایرانی از فرصت امکان طرح دعا در دادگاه ایرانی امتناع خواهد کرد مگر اینکه همان‌طور که برخی (Sadrzadeh & Afshar, 2001: 140) بیان داشته‌اند ایران و کشور محل اقامت تاجر موافقت‌نامه‌های همکاری حقوقی و قضایی در زمینه اجرای احکام داشته باشند.

فرجام سخن

بررسی‌ها نشان داد در هر دو نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا برخی ضوابط برای تعیین دادگاه صالح در دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده وجود دارد، البته با این تفاوت که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا این ضوابط با لحاظ موقعیت ضعیف مصرف‌کننده و لزوم حمایت از وی، به‌طور خاص پیش‌بینی شده است اما در حقوق ایران به دلیل عدم توجه قانون‌گذار به این مسئله، ضوابط عام صلاحیت دادگاه‌ها در سایر قراردادها در خصوص قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده نیز اعمال می‌شود. امری که می‌تواند نه تنها دادگاه‌های ایرانی را با چالش مواجه کند بلکه مصرف‌کننده را نیز در احقاق حق خود ناکام گذارد. گرچه در هر دو نظام حقوقی، محل اقامت خوانده به‌عنوان یک قاعده عام صلاحیت دادگاه‌ها پذیرفته شده است اما به دلیل عدم تصریح قانون‌گذار ایرانی در خصوص زمان و مکان انعقاد قراردادهای الکترونیکی، اعمال این ضابطه توسط دادگاه‌های ایرانی با چالش‌هایی روبروست. همچنین در خصوص استفاده از معیار «محل اقامت خواهان» -در فرض نوشتار ما مصرف‌کننده- نیز میان دو نظام حقوقی مشابهت وجود دارد، البته با این توضیح که در خصوص استفاده از این معیار در حقوق اتحادیه اروپا چنانچه تاجری، فعالیت‌های تجاری‌اش

را به محل اقامت مصرف‌کننده اروپایی «هدایت» یا این‌گونه فعالیت‌ها را در آنجا «دنبال» کند، مصرف‌کننده می‌تواند در دعاوی ناشی یا مرتبط با این قراردادها در دادگاه محل اقامت خود علیه تاجر اقامه دعوا کند. این در حالی است که در حقوق ایران چنین محدودیتی برای استفاده از این معیار وجود ندارد. چنین رویکردی می‌تواند تجار خارجی را که بازار ایران را هدف فعالیت‌های خود قرار نداده‌اند و با این‌وجود در معرض طرح دعاوی مختلف توسط مصرف‌کنندگان ایرانی در دادگاه‌های ایران هستند را ترغیب کند تا در انعقاد قرارداد با این دسته از مصرف‌کنندگان محدودیت ایجاد کنند یا در قراردادهای منعقد، شرط توافق انحصاری صلاحیت به نفع دادگاه‌های محل اقامت خود درج کنند تا مانع رجوع مصرف‌کنندگان ایرانی به دادگاه‌های ایران شوند. هر دو اثر چنین رویکردی به نفع مصرف‌کنندگان مقیم ایران نیست. ضمن اینکه چنانچه تاجر خارجی در ایران اموالی نداشته باشد تا زمینه اجرای حکم صادره فراهم باشد صرف امکان طرح دعوا توسط خواهان (مصرف‌کننده ایرانی) در دادگاه ایرانی علیه تاجر خارجی و حتی صدور رأی به نفع مصرف‌کننده نیز ممکن است برای وی مفید نباشد. در خصوص دو معیار «محل انعقاد قرارداد» و «محل اجرای تعهد» درحالی‌که حقوق اتحادیه اروپا این دو معیار را برای تعیین دادگاه صالح در این‌گونه دعاوی مدنظر قرار نداده است، در حقوق ایران هر دو معیار قابل استفاده است. با این حال، توسل به معیار محل انعقاد عقد با توجه به سکوت قوانین ایران در خصوص زمان و مکان انعقاد قراردادهای الکترونیکی و معیار محل انجام تعهد با توجه به ابهامات در خصوص محل انجام تعهد در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده با موضوع غیر فیزیکی مانند نرم‌افزارها، نیز چالش‌برانگیز است و پیش‌بینی تصمیم دادگاه در خصوص اعلام صلاحیت یا عدم صلاحیت را برای طرفین دعوا دشوار می‌سازد. این امر مغایر با لزوم حمایت از مصرف‌کننده در اقامه دعوا علیه تاجر است.

با توجه به این نکات به نظر می‌رسد دستاورد اصلی این نوشتار برای حقوق ایران، توجیه ضرورت وضع ضوابطی ویژه در خصوص تعیین دادگاه صالح در رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده است، به‌گونه‌ای که با توجه به خصیصه الکترونیکی بودن این قراردادها، با وضع ضوابط روشن و مناسب و حذف ضوابط مناقشه‌برانگیز مانند محل انجام تعهد، مصرف‌کننده بتواند با سهولت و هزینه کمتر اقامه دعوا کند و با اطمینان بیشتری در خصوص تصمیم دادگاه در اعلام صلاحیت یا عدم صلاحیت پیش‌بینی کند. همچنین بایسته

است چنین ضوابطی منجر به خودداری تاجر خارجی از انعقاد قرارداد الکترونیکی با مصرف کننده ایرانی نشود و یا آن ها را به درج شرط صلاحیت انحصاری به نفع دادگاه های خودشان در قراردادهای منعقد با مصرف کنندگان ایرانی سوق ندهد. بهره گیری از ضوابط مندرج در مقررات بروکسل یک جدید اتحادیه اروپا به عنوان الگو می تواند راهکار مناسبی برای وضع ضوابطی مناسب در حقوق ایران باشد.

References

- Abdolahi, M. & Sayyed Ahmadi Sajadi, S.A.A. (2014). A Comparative Study of Consumer Protection in Electronic Funds Transactions, *Encyclopedia of Economic Law journal*, 21(5), 122-141. Doi: 10.22067/le.v21i5.48146 [In Persian]
- Bakhtiarvand, M. (2011). Determining the Competent Court in Consumer's International E-contracts, *Law Quarterly, Law and Political Science Faculty Journal*, 40(3), 77-95. [In Persian]
- Bonomi, A. (2015). Jurisdiction Over Consumer Contracts, in: *The Brussels I Regulation Recast*, Dickinson, A; Lein, E. & James, A, Oxford: Oxford University Press.
- Chen, Z. (2023). The Classification of Dual Purpose Contract in European Private International, *European Review of Private Law*, 31(5), 909-932 . Doi: 10.54648/erpl2023044
- Fizi Chakab, Gh & Asadi, Taghi (2015). The Concept of the Rights of Consumers and Suppliers of Goods and Services in Iranian and European Regulations, *Civil Law Knowledge*, 4(1), 68-78. DOR:20.1001.1.23221712.1394.4.1.6.9 [In Persian]
- Ghaffari Farsani, B. (2010). *Consumer and His Fundamental Rights (A Perspective on Consumers' Rights Protection Act)*, Tehran: Institute for Trade Studies and Research. [In Persian].
- Habibzadeh, T. (2017). Developing Internet Jurisdiction in B2B and B2C Contracts: Focusing on Iranian Legal System with Comparative Study of American, English and EU Laws, *Arab Law Quarterly*, 31(3), 276-304. Doi: 10.1163/15730255-12313034.
- Habibzadeh, T. (2011). IT Law Competent Court and Applicable Law in E-Contracts (Comparative Study), Vol.3, Tehran: Islamic Parliament Research Center. [In Persian]
- Heinze, Ch. & Steinrotter, B. (2017). The Revised Lis Pendens Rules in the Brussels Ibis Regulation, in: *Brussels Ibis Regulation Changes and Challenges of the Renewed Procedural Scheme*, Lazic, V & Stuij.S, The Hague: Asser press.

- Hess. B. (2022). Introduction” in: *Brussels I Bis a Commentary on Regulation (EU) No 1215/2012*, Isidro, M.R, Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Hornle, J. (2009). *Cross-Border Internet Dispute Resolution*, New York: Cambridge University Press.
- Kabry, M.M.; Ansari, A. & Khodabakhshi, A. (2021). Jurisdiction to Related Actions in Private International Disputes; A Comparative Study between Iranian and Egyptian law, *Comparative Law Researches*, 25(2), 135-159. DOR:20.1001.1.22516751.1400.25.2.3.0 [In Persian]
- Law. S. (2022). “Article 17” in: *Brussels I Bis a Commentary on Regulation (EU) No 1215/2012*, Isidro, M.R, Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing.
- Lazic,V & Stuij, S. (2017). *Brussels Ibis Regulation Changes and Challenges of the Renewed Procedural Scheme*, The Hague: T.M.C. Asser Press.
- Lehmann, M. (2015). Special Jurisdiction, in *The Brussels I Regulation Recast*, Dickinson, A & Lein, E, Oxford: Oxford University Press.
- Lutzi, T. (2018). What’s a consumer?’ (Some) clarification on consumer jurisdiction, social-media accounts, and collective redress under the Brussels Ia Regulation Case C-498/16 Maximilian Schrems v. Facebook Ireland Limited, EU:C:2018:37, *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, 25(3), pp 374–381. Doi.org/10.1177/1023263X18783.
- Mafi, H. & Asadian, S. (2016). The Competent Court in Cases Resulting from Commercial Electronic Contracts in American and European Legal Systems, *Comparative Law Review*, 7(1), 323-345. Doi: 10.22059/jcl.2016.58614 [In Persian]
- Mafi, H. & Hosseini Moghaddam, S.H. (2017). Competent Court for the Settlement of Disputes Arising from Contractual Obligations in the Iranian and the European Law, *Comparative Law Review*, 8(1), 297-322. Doi:10.22059/jcl.2017.62538 [In Persian]
- Mafi, H.; Mohammadi, S. & Kaviar, H. (2011). Competent Court for Hearing the Lawsuits Resulting from Electronic Contracts, *The Judiciarys Law Journal*, 75(74), 161-190. Doi:10.22106/jlj.2011.11087 [In Persian]
- Mariottini. C.M. (2022), Article 4 in: *Brussels I Bis a Commentary on Regulation (EU) No 1215/2012*, Isidro, M.R, Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Mohajeri. A. (2009), *MABSOOT Procedure Civil*, Tehran: Fekrsazan. [In Persian].
- Nahreini, F. (2017), *Civil Procedure*, Vol.1, Tehran: Ganjedanesh. [In Persian].

- Nasiri, M. (2017), *Conflict of Laws in Transnational Business*, Tehran: Jangal. [In Persian].
- Sadrzadeh Afshar, S.M. (2001), *Commercial and Civil Procedure*, Theran: Jahade Daneshgahi. [In Persian].
- Schmon, Ch. (2020). *The Interconnection of the EU Regulations Brussels I Recast and Rome I Jurisdiction and Law*, The Hague: Asser Press.
- Shams, A. (2005). *Civil Procedure*, Vol.1, Tehran: Derak. [In Persian].
- Shiravi, A. (2017). *Contract Law, Conclusion, Effects and Termination*, Tehran: Samt. [In Persian].
- Taherzadeh-Kakli, S. M. A. (2008). Consumer's Right of Withdrawal in the Sale of Goods and Services, Master Thesis, Supervisor: Sattar Zarkalam, Allameh Tabatabayi University. [In Persian].
- Tang Zh. S. (2015). *Electronic Consumer Contracts in the Conflict of Laws*, Second edition, Oxford and Portland, Oregon: Hart Publishing.
- Wilderspin, M. (2016). "Article 6: consumer contracts" in: *Rome I Regulation - commentary*. Magnus U, Mankowski P (eds), Cologne: Verlag Dr. Otto Schmidt.
- Youzbashi, S.A.; Molaei, Y. & Abbasi, A. (2019). The Comparative Study of Protection from Subsequent Consumer in Iranian and Turkish Law, *Contemporary Comparative Legal Studies*, 11(21), 299-325. Doi:10.22034/law.2020.12639. [In Persian]

Cases

- Case 150/77 Bertrand v Ott [1978] ECR 1431, para 21.
- Case Benincasa v Dentalkit Srl (n 50) para 16
- Case C-269/95 Benincasa v Dentalkit [1997] ECR I-3767.
- Case C-419/11 Ceska Sporitelna, AS v Feichter [2013] ILPr 22.
- Case C-464/01 Gruber v Bay Wa AG [2005] ECR I-439.
- Case OGH, 25 October 2000–8 Nd 502/00.
- Standard Bank London Ltd v Dimitrios and Styliani Apostolakis [2000] ILPr 766, 771.

Regulations & Directives

- Convention 78/884/EEC on the accession of the Kingdom of Denmark, Ireland and the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the 1968 Brussels Convention and to the Protocol on its interpretation by the Court of Justice, [1978] OJ L304/1
- Convention on jurisdiction and the enforcement of judgments in civil and commercial matters (Brussels Convention), 1968.

Convention on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (Lugano Convention). 1988, 2007.

Directive 93/13/EEC of 5 April 1993 on unfair terms in consumer contracts (Unfair Terms Directive), 1993.

Directive 97/7/EC of 20 May 1997 on the protection of consumers in respect of distance contracts, 1977.

E-commerce Directive, 2000.

Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters, 2001.

Regulation (EC) No 593/2008 of the European Parliament and of the Council of 17 June 2008 on the law applicable to contractual obligations (Rome I), 2008.

Regulation (EU) No 1215/2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast), 2012.

Unfair Contract Terms Act, 1977.

US Uniform Commercial Code, 1952.

